

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

اول دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۱۶ - ۲

ترکیب بندها

۲-۲

در مرثیه غفارخان

(بند دوم)

ناگه خدنگ، حادثه بر سرزمین فگند
سروی ز بوستان و فـا، بر زمین فگند
ماهی به اوج دانش و ادراک، برکشید
وانگاه، سرنگون ز سپهر برین فگند
اول به مهر کرد سوارش بر اسپ بخت
وانگاه به قهر به خاک مذلت ز آرزین فگند
ابر فنا، ز چهره خورشید، نور برد
دیو اجل ز دست سلیمان، نگین فگند

^۱ این مصراع در اصل دیوان چنین آمده است:

ناگه خدنگ حادثه از {سوی} زمین فگند

^۲ که مصحح آن را در هیئت بالا درآورد، تا هم مصراع مفهومی را برساند و هم قافیه شایگان نگردهد!!!
مصراع دوم بیت فوق در اصل الف «چون تکیه ناگهش از پشت زین فگند» آمده. درج دفتر است.

ناهِید ازین مصیبت هابیل^۳ در آسمان
آفاق بهر تعزیتش، برقع سیاه
آه این چه دام بود، که صیاد روزگار
آه این چه سنگ بود، که ناگه ز روی قهر
دردا، که از مصیبت غفارخان، سپهر
با خیل خرّمی و خوشی، طرح کین فگند
برباد شد، چو برگ گل تازه، در بهار
او رفت از جهان، غم او ماند یادگار

^۳ ب. هابیل
^۴ "شهور و سنین"؛ یعنی "ماهها و سالها" - "شهور" جمع عربی کلمه "شهر" است، که به عربی "ماه" را گویند و "سنین" جمع سالم "سن" است، که در عربی "سال" را گویند.
^۵ "شیر عرین" یعنی "شیر نیستان" - "عرین در عربی "نیزار" را گویند. در اصل دیوان حاضر "غرین" آمده بود، که لغتی بی معناسست و مصحح آن را به "عرین" تصحیح کرد!!!
^۶ در دیوان حاضر "یادگار ماند" آمده بود، که به "ماند یادگار" تصحیح شد!!!